

فصلنامه پژوهش حقوق

سال سیزدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، ویژه نامه حقوق ارتباطات

صفحات ۳۲۸-۳۰۹

مداخله رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل عمومی

سید یاسر ضیایی yaserziaee@gmail.com

عضو هیات علمی دانشگاه قم و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

و کارشناس گروه مطالعات حقوقی شورای راهبردی شبکه خبر

جواد طباحی ممقانی jtm1344@gmail.com

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی و دبیر شورای راهبردی شبکه خبر

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱

چکیده

پیشرفت کمی و کیفی رسانه‌های فراملی، نگرانی‌های مربوط به کارکرد بین‌المللی آن را افزایش داد. این نگرانی از سوی کشورهای در حال توسعه و به تعبیری جهان سوم بیشتر بود، چه آنکه کشورهای صنعتی و پیشرفته، کنترل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌های فراملی را در دست داشتند. این کنترل از طرق مختلفی صورت می‌گیرد: سرمایه‌گذاری در تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای جدید، پرتاب ماهواره‌های مخابراتی که میزبان نظام‌های ماهواره‌ای هستند، میزبانی ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی کشورهای جهان سوم در خاک خود و اجاره فرکانس‌های ماهواره‌ای برای شبکه‌های ماهواره‌ای متعلق به کشورهای جهان سوم از این جمله است. از این سلسله آشکار و غیرآشکار کشورهای غربی بر نظام ارتباطات جمعی، به امپریالیسم رسانه‌ای یاد می‌شود. کشورهای غربی به کمک این امپریالیسم رسانه‌ای، جریان تحولات بین‌المللی را دستخوش تأثیر می‌سازند. هرچند جریان‌سازی‌های رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی در بسیاری موارد به عنوان کارویژه رسانه‌های فراملی تلقی می‌شود اما در برخی موارد این هدف با نقض حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد که می‌تواند مسئولیت بین‌المللی رسانه فراملی را به دنبال داشته باشد.

برخی مصادیق نقض حقوق بین‌الملل از سوی رسانه‌های فراملی که از طریق نقض اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها تحقق می‌پذیرد عبارتند از تحریک به نقض صلح، تشدید اختلافات بین‌المللی، مداخله در امور داخلی کشور، بیانات افتراآمیز و جعل حقوق تاریخی کشور. این تخلفات را می‌توان ذیل عنوان کلی «مداخله رسانه‌ای» بیان نمود. بررسی مداخله رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل عمومی این امکان را برای کشورهای قربانی تخلف بین‌المللی مانند جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند که با پیگیری نظری و عملی مسئولیت بین‌المللی این رسانه‌ها و کشورهای متبوع آنها، از تبدیل شدن این تخلفات به اصولی در عرف بین‌المللی جلوگیری کرده و حقوق خود را در عرصه ملی و بین‌المللی مطالبه نماید.

واژه‌های کلیدی: رسانه فراملی، مداخله رسانه‌ای، تبلیغات رسانه‌ای، حقوق بین‌الملل عمومی،

مسئولیت بین‌المللی.

مقدمه

با ظهور رسانه های جمعی و امکان عبور این رسانه ها از مرزهای سیاسی، این دغدغه برا کشورها مطرح شده است که حدود آزادی عمل این رسانه ها تا کجاست؟ هرچند کمتر کسی مفهوم آزادی ارتباطات و اطلاعات تردیدی ندارد، اما کمتر وجدان آگاهی یافت می شود^۱ نپذیرد این آزادی با محدودیت هایی روبه روست.

استفاده از رسانه های فراملی خصوصاً رادیو و شبکه های ماهواره ای برای تأثیرگذاری سیاسی فرهنگی و اجتماعی بر یک کشور مفهوم تبلیغات رسانه ای^۱ را در ادبیات رسانه ای و سیاسی خا نمود. این مفهوم که باری منفی با خود دارد در برابر مفهوم پوشش رسانه ای^۲ که به روند طیبه انعکاس اخبار و تولید برنامه های سرگرم کننده اشاره دارد، ایجاد شد.

چنانچه مفهوم تبلیغات رسانه ای از منظر حقوقی مورد توجه قرار گیرد از آن به مفهوم مداخله رسانه ای^۳ یاد می شود. این مداخله رسانه ای می تواند مصادیق مختلفی داشته باشد که در صورت تحقق آنها مسئولیت بین المللی دولت و یا رسانه متخلف را در عرصه حقوق بین الملل عمومی دنبال خواهد داشت. طرح مسئولیت دولت و یا رسانه متخلف در نهادهایی مانند اتحادیه بین المللی مخابرات، کمیته فعالیت های صلح آمیز در فضای ماورای جو (کوپوس) و مراجع دیگر قضای مانند دیوان بین المللی دادگستری و دیوان بین المللی کیفری با شرایطی امکانپذیر است.

برای احراز تخلفات یک رسانه لازم است تا ابتدا مصادیق مختلف مداخلات رسانه ای شناخ شوند. در این پژوهش ابتدا به تلاش کشورهای غربی و صنعتی در تقویت سلطه رسانه ای خود سایر کشورها از منظر حقوقی نگریسته شده است که از آن به «امپریالیسم حقوقی در عرصه رسان یاد نمودیم. پس از آن به مصادیق مداخلات رسانه ای اشاره شده است و سپس به بررسی قابلیه انتساب تخلفات رسانه های مستقل به یک دولت اشاره شده است.

۱. امپریالیسم حقوقی در عرصه رسانه فراملی

امپریالیسم بسط نفوذ و قدرت یک کشور بر سایر کشورهاست که می تواند ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی داشته باشد. امپریالیسم رسانه ای به شبکه ای از رسانه های نوشتاری، رادیویی

تلویزیونی گفته می‌شود که تحت سیطره یک فرد یا یک ایدئولوژی خاص اداره می‌شود و کارکرد آن علاوه بر بیرون راندن رقبا، اثرگذاری بر مخاطبان جهانی و القای آراء و نظرات خاص است.^۱ در عرصه حقوق که متضمن دو دسته حقوق موضوعه و حقوق در حال شکل گیری است شاهد جلوه‌هایی از امپریالیسم هستیم. یکی از جلوه‌های امپریالیسم حقوقی در رابطه با شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح است. این تفوق هژمونیک در عرصه رسانه فراملی حداقل از سه طریق صورت می‌پذیرد: یکی از طریق تفسیر موسع از گفتمان آزادی اطلاعات، دیگری از طریق استقرار ایستگاه‌های رادیویی-تلویزیونی در برخی کشورها و سوم پخش برنامه از طریق ماهواره‌های مخابراتی اجاره‌ای متعلق به برخی کشورها. در ادامه به تبیین هر یک از این سه مورد پرداخته می‌شود.

الف) تفسیر موسع از گفتمان آزادی اطلاعات: با ظهور رسانه‌های ارتباط جمعی یکی از نگرانی‌های صاحبان این رسانه‌ها امکان انتشار اطلاعات و نگرانی شهروندان از امکان دسترسی به اطلاعات صحیح بوده است.^۲ لذا می‌توان گفت اصل آزادی اطلاعات بر دو قسم است: یکی آزادی ارسال اطلاعات و دیگری آزادی دریافت اطلاعات. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر این دو حق را چنین توصیف می‌کند که «هر کسی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است که این حق شامل آزادی عقیده بدون دخالت و تفتیش، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از طریق هرگونه رسانه‌ای بدون در نظر گرفتن مرزها می‌شود».^۳ بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶ نیز این حق را با این عبارت لازم الاجرا می‌کند که «هر کسی باید حق آزادی بیان

1. See David L. Altheide, *Media Hegemony: A Failure of Perspective, Public Opinion Quarterly*, Vol. 48, No. 2, pp. 476-490.

این اثرگذاری از سوی شبکه‌های متنوع ماهواره‌ای در اختیار کشورهای غربی در حدی است که از آن به «راهزنی ماهواره‌ای» یا «تجاوز سیگنالی» یاد شده است. محمد حسن بردبار، اصول حقوقی حاکم بر ماهواره‌ها، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۶، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱.

۲. بدون شک، انقلاب در عملیات با اطلاعات، یکی از ویژگی‌های مهم عصر حاضر به شمار می‌آید که در به وجود آوردن وضعیت آینده، نقش مهمی ایفا می‌کند. اکنون از یک سو، جمع‌آوری، آماده‌سازی و در دسترس قرار دادن اطلاعات، بسیار متحول شده و از سوی دیگر، در جایی که اطلاعات وجود دارد، در تصمیم‌گیری برای عمل مؤثر است، چه در رفتار فردی و چه جمعی. همین رفتار است که جوامع را به رشد و یا به نابودی می‌کشاند و مبنای سعادت و شقاوت قرار می‌گیرد. ن. کک، سیدابراهیم حسینی، برنامه‌های ماهواره‌ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات، مجله معرفت، ۱۳۷۹، شماره ۳۶، ص ۵۳.

۳. تأکید اضافه شده است.

داشته باشد که شامل آزادی تحقیق، دریافت و انتشار هرگونه اطلاعات و افکار چه به صورت نوشته و چه به صورت هنری و از طریق هرگونه رسانه بدون توجه به مرزهاست.^۱ با این حال باید توجه داشت که این حق با محدودیت هایی مواجه است که در اسناد بین المللی و رویه قضایی کشورها مشاهده می شود. ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که «دولت اضطرار عمومی که زندگی ملت و وجود آن مورد تهدید قرار گیرد، دولت عضو می تواند تدابیری برای انحراف از تعهدات این میثاق در نظر بگیرند». ماده ۱۸ همین میثاق «تحدید آزادی مذهب و اجتماع را در مواردی که برای امنیت عمومی، نظم، سلامت و وجدان خطر داشته باشد وضع قانون» امکانپذیر دانسته است.^۲ دادگاه های امریکا نیز استثناهایی برای آزادی بیان و اطلاعات

۱. تأکید اضافه شده است. گزارشگر آزادی بیان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل معتقد است که «کشورها تعهد مثبت در تضمین دسترسی به اطلاعات، خصوصا اطلاعات در اختیار دولت دارند».

JN Commission Human Rights (1998), Right to Freedom of Opinion & Expression
Commission on Human Rights Resolution Res. E/CN/1998/42, Para. 2.

تعهد مثبت عبارت است از اقدامات کنشگرانه دولت در اجرای تعهد و نه صرف عدم مداخله دولت در اجرای حق ا سوی اشخاص خصوصی.

۲. در هفتم نوامبر ۲۰۰۲ پروتکلی با عنوان «پروتکل الحاقی کنوانسیون جرائم سایبر در خصوص جرم‌انگاری اعمال دارای ماهیت نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزانه‌ای که از طریق سیستم‌های رایانه‌ای ارتکاب می‌یابند» به تصویب اعضا شورای اروپایی و غیر اروپایی عضو کنوانسیون رسید که در آن از دولت‌های عضو خواسته شده نشر مطالب نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزانه از طریق سیستم‌های رایانه‌ای (ماده ۳)، تهدید یا نیت نژادپرستانه یا بیگانه‌ستیزانه (ماده ۴)، اهانت یا نیت نژادپرستانه یا بیگانه‌پرستانه (ماده ۵)، عدم پذیرش، به شدت خفیف جلوه دادن، تأیید یا توجیه کشتا جمعی یا جنایات علیه بشریت (ماده ۶) و شرکت و معاونت در این جرائم (ماده ۷) را جرم‌انگاری کنند. امیر حسین جلالی فراهانی، مزیت ها و محدودیت های فضای سایبر در حوزه های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حرید خصوصی، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، ۱۳۸۶، شماره ۵۹، ص ۶۹. برای مشاهده مصادیق تعارض آزادی رسانه‌ها با امنیت و نظم عمومی جمهوری اسلامی ایران ن. ک. حسن ره پیک، حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی رسانه‌ها، مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، شماره ۹، صص ۱۲۳-۱۴۴.

ذکر کرده اند مانند منع توهین^۱، ایجاد هراس^۲، کاربرد عبارات خصمانه^۳، عبارات رکبک^۴ و تحریک به جرم و ایجاد فتنه^۵.

لذا همانقدر که تولیدکنندگان برنامه های ماهواره ای در ارسال اطلاعات آزادند، دولتهای دریافت کننده نیز در دریافت نکردن آن برنامه ها با شرایطی آزادند. به طور مثال چنانچه ایران با استدلال حفاظت از نظم و امنیت عمومی از طریق وضع قانون، پخش برنامه یکی از شبکه های ماهواره ای را با اختلال مواجه سازد می تواند به ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی استناد نماید.^۶ همچنین طرح آزادی بیان برای برنامه های رادیویی و تلویزیونی منتسب به کشورها قابل طرح نیست از آن رو که آزادی بیان به عنوان یک حق بشری تنها برای افراد در مقابل دولتها در نظر گرفته شده است و نه حق یک دولت در برابر افراد و یا حق یک دولت در برابر دولتی دیگر.^۷ لذا نباید فریب این مغالطه را خورد که کشورها می توانند در پوشش اصل آزادی بیان به طرح هرگونه بیاناتی علیه یک کشور و یا یک تفکر پردازند.

علاوه بر این محدودیت باید توجه داشت که اصل آزادی اطلاعات و آزادی ارتباطات باید صحیح باشند و چنانچه اطلاعاتی به طور کذب برای تشویش اذهان عمومی منتشر شوند با مسئولیت بین المللی دولت یا بنگاه سخن پراکنی مربوطه همراه خواهد شد. منبع این تعهد، کنوانسیون حق بین المللی تصحیح^۸ است.^۹ این کنوانسیون در صدد تضمین حق پاسخگویی دولتها

1. Wojnarowicz v. American Family Association

2. Schenck v. United States, ۲۴۹ U.S. ۴۷ (۱۹۱۹)

3. Chaplinsky v. New Hampshire

4. Reno v. ACLU (June 26, 1997)

5. See <http://www.csulb.edu/~jvancamp/freedom۱.html>

۶. باید توجه داشت که هرچند اتحادیه بین المللی مخابرات در مقررات رادیویی سال ۱۹۹۸ بیان داشته که فرکانس های رادیویی بدون مداخله سیگنالی باید فعالیت کنند اما این مقرر در مقایسه با میثاق حقوق مدنی و سیاسی جنبه الزام آور ندارد.

7. Arthur Larson, The Present Status of Propaganda in International Law, Law and Contemporary Problems, Vol. 31, No. 3, 1966, p. 442.

8. Convention on the International Right of Correction

۹. این کنوانسیون توسط مجمع عمومی منعقد گردید و به موجب قطعنامه (۷۱۱) ۶۳۰ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۵۲ برای امضاء مفتوح گذاشته شد و در سال ۱۹۶۲ لازم الاجرا شد. در حال حاضر ۲۳ کشور عضو آن هستند که عبارتند از آژانتین، بوسنی هرزه گوین، بورکینافاسو، شیلی، کوبا، قبرس، اکوادور، مصر، السالوادور، ایتوی، فرانسه، گواتمالا، کینه، جامائیکا، لاتویا، لیبیا، مونتنگرو، پاراگوئه، پرو، صربستان، سیرالئون، سوریه و اوروگوئه.

نسبت به اطلاعات دروغین و یا مخدوش است که در مورد آنها منتشر می شود و به ایجاد ناآراه و بحران دامن می زند. ماده ۲ این کنوانسیون تصریح می کند که مسئولیت حرفه ای خبرنگاران سازمانهای خبرگزاری اقتضا می کند که آنان واقعیت ها را بدون تبعیض و به همان شکل که هست منتقل سازند و به این ترتیب در پیشبرد و احترام به حقوق آزادی های بنیادین بشر و همچنین ترقی و پیشرفت تفاهم و همکاری بین المللی و حفظ صلح و امنیت بین الملل نقش خود را ایفا نمایند و متخلفین را ملزم می کند که بعد از نشر خبر کذب، اخبار اصلاحی را منتشر کنند.

همچنین ماده ۴ کنوانسیون بین المللی استفاده از ایستگاه های رادیویی برای ایجاد صلح^۱ مور ۱۹۳۶، اعضای معاهده را ملزم می سازد صحت اطلاعات ارسالی از ایستگاه های موجود در داخل مرزهای خود را به خصوص در مواقع بحرانی تضمین نمایند. ماده ۳ این کنوانسیون نیز می دارد که اگر اخلاص در درک بین المللی صحیح، از طریق اظهارات نادرست صورت گیرد کشور محل پخش برنامه ملزم است تا نسبت به اصلاح آن اقدام نماید.^۲

لذا مشاهده می شود که کشورهای غربی با تفسیر موسعی از آزادی اطلاعات و با به فراموش سپردن قیود محدود کننده در اسناد بین المللی مانند عدم نقض امنیت و نظم ملی و رعایت صحت اطلاعات به برنامه سازی در رسانه های فراملی اقدام می کنند که هرچند می تواند مسئولی بین المللی آنها را به دنبال داشته باشد، اما این تفسیر می تواند در تقویت جایگاه امپریالیسم رسا ای غربی مؤثر باشد.^۳

International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace

David Goldberg, International And Comparative Perspectives On Defamation, Free Speech, And Privacy, New York Law School Law Review, No.50,2006, p. 145.

۳. با این حال مشاهده شده است که کشورهای غربی نیز در مواردی که آزادی اطلاعات را به طور موردی مغایر منافع خود تشخیص داده اند اعتراض خود را اعلام کرده اند. به طور مثال پس از ماجرای تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و انکس ایالات متحده امریکا به شبکه تلویزیون ماهواره های «جزیره» که اخباری را در تعارض با سیاست رسانه ای جنگی امریکا و انگلستان در جریان جنگ علیه تروریسم در افغانستان پخش میکرد، نشان داد که عمده تر کشورهای طرفدار آزادی مطلق ماهواره ها و ارسال اطلاعات در شرایطی که منافعشان به خطر بیفتد، نسبت به نه اطلاعات، اخبار و برنامه های تلویزیونی که در قلمرو سرزمینی و حتی در قلمرو نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها پخش می شود، حساسیت دارند. محمد حسن بردبار، پیشین، ص ۱۵۴.

ب) محدودیت در فعالیت رسمی رسانه‌ای و استقرار ایستگاه‌های رادیویی-تلویزیون: هر چند بخش برنامه از طریق ایستگاه های رادیویی- تلویزیونی عمدتاً از کشور مالک و یا حامی شبکه مربوطه صورت می گیرد اما ماهیت ویژه رسانه های فراملی اقتضا دارد تا در کشورهایی دیگر نیز به تأسیس دفتر و فعالیت رسمی اقدام کنند. تأسیس دفتر و فعالیت رسمی در یک کشور خارجی مستلزم اخذ مجوزهای لازم برای این امر است که به طرق مختلفی صورت می گیرد؛ معمول ترین روش برای فعالیت رسانه ای در کشورهایی که روابط حسنه سیاسی با کشورمان دارند صدور روادید سیاسی است که فعالان رسانه ای می توانند از طریق وزات خارجه به عنوان وابسته فرهنگی در کشور دوست فعالیت داشته باشند. اما در مورد سایر کشورها معمولاً صدور مجوز از طریق درخواست رئیس سازمان صدا و سیما و متعاقباً درخواست هیأت وزرا و سپس وزارت خارجه از سفارت کشور مورد نظر صورت می گیرد که در این حالت روادید برای مدت زمانی معلوم صادر می شود و پس پایان مدت زمان روادید ممکن است مورد تمدید قرار نگیرد.^۱ علاوه بر این برخی خبرنگاران در اتحادیه های بین المللی غیردولتی عضویت دارند که کارت این اتحادیه مورد پذیرش برخی کشورهاست. اما باید توجه داشت که برخی کشورها با مشکل کردن روند صدور روادید رسانه ای در فعالیت آزادانه برخی رسانه ها در کشورشان خلل وارد می کنند.^۲ به طور مثال برخی کشورها تنها به خبرنگارانی اجازه فعالیت می دهند که نهاد حامی^۳ آنها (که معمولاً ایستگاه رادیویی- تلویزیونی است) در آن کشور به ثبت رسیده باشد. تقلیل جایگاه یک ایستگاه رادیویی- تلویزیونی به یک شرکت تجاری می تواند محدودیت های زیادی را برای خبرنگاران به دنبال داشته باشد.^۴

ایستگاه های رادیویی- تلویزیونی، چه دولتی و چه غیردولتی، که در سرزمین کشوری دیگر مستقر هستند و در آن کشور به ثبت رسیده اند مشمول قوانین داخلی آن کشور هستند و ملزم به رعایت نظم عمومی کشور میزبان هستند. بر این اساس چنانچه یک ایستگاه رادیویی اقدام به نقض

۱. نمونه این مسئله اخراج کامران نجف زاده خبرنگار واحد مرکزی خبر از فرانسه بود که به دنبال انقضای مدت زمان روادید به استناد اخلال در نظم عمومی فرانسه تمدید نگردید.

۲. به طور مثال برای مشاهده شرایط مورد نیاز برای فعالیت رسانه ای در انگلستان ن. ک.

<http://www.ukba.homeoffice.gov.uk/workingintheuk/othercategories/repsofmediarog/eligibility/>

3. sponsor

۴. به طور مثال می توان به شروط جدید آلمان معروف به شروط Tier 2 برای فعالیت خبرنگاران خارجی اشاره نمود.

قوانین داخلی کشور میزبان خود کند نه تنها ملزم به توقف این اقدام خواهد بود بلکه در قه کشور میزبان مسئولیت جبران خسارت مادی و معنوی را خواهد داشت. این موضوع یا به صورت شرط در قرارداد فی مابین مالک ایستگاه رادیویی و کشور میزبان ذکر می شود و یا از قوا داخلی کشور میزبان قابل استنباط است. به طور مثال ماده ۹۷۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران بیان می دارد «محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلا حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با اصول عمومی محسوب می شود بموقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد». با توجه به این واقعیت، کشورهایی که محل تولید اخبار مهم هستند می توانند با محدود کردن فعالیت خبرنگاران و ایستگاه های رادیویی - تلویزیونی به طور غیرمستقیم بر روند برنامه سازی تأثیرگذار باشند.^۱ غیرقابل انکار است که هر کشوری نظم عمومی مخصوص به خود را در کشور خود که نقش زیادی در ایجاد تحولات بین المللی دارد می تواند نظم عمومی و امنیت خود را به نحوی تعریف کند که خبرنگاران خارجی نتوانند واقعیات را آنگونه که هست از کشور مخابره کنند. در چنین حالتی کشورهای محل استقرار ایستگاه های رادیویی - تلویزیونی در تحولات بین المللی نقش بسزایی دارند می توانند با ایجاد محدودیت های غیرمعقول امپریالی خبری و رسانه ای را تقویت کنند.

ج) بخشی برنامه از ماهواره های اجاره ای: حدود ۱۰۰ ماهواره یا قمر مصنوعی فعال در فضای ماورای جو وجود دارد که از این تعداد حدود ۴۰ ماهواره مخابراتی هستند و از این تعداد حدود ۲۰ ماهواره به پوشش دادن نظام های ماهواره ای^۲ اقدام می کنند. در حال حاضر ۴۷ ماهواره ای در اتحادیه بین المللی مخابرات به ثبت رسیده است^۳ که میزبان شبکه های ماهواره هستند. ایستگاه های رادیویی - تلویزیونی که علاقه مند به آغاز فعالیت هستند باید یکی از ماهواره های اجاره ای را اجاره کند.

۱. نمونه این امر اخراج کامران نجف زاده در فروردین ۱۳۹۰ از فرانسه به بهانه اخلاص در نظم عمومی فرانسه است.

Satellite System

pstar, Arabsat, Asiasat, Measat, Chinasat, Chinastar, Nilesat, Eurasiasat, opesat, Eutelsat2, HotBird, W, Seasat, Telecom 2, Yamal, Hispasat, Insat, elsat, JCSat, Nstar, Koreasat, Telstar, Agila, Nahuel, NSS, Sirius, Gorizont, ress, Palapa, Satmex, Solidaridad, Astra, AMC, Thaiacom, ST, Optus, Sinosat, ighbird, Amos, Brazilsat, Telkom, Galaxy, PAS, Thor, Anik, Nimiq, Turksat

از آنجا که هر یک از ماهواره های مخابراتی در اختیار یک کشور و یا شرکتی متعلق به یک کشور است، بسیار اتفاق افتاده است که با شروع یک اختلاف سیاسی، روند پخش برنامه از برخی شبکه های ماهواره ای قطع شده است.^۱ در مقابل این اقدام کشورهای صاحب ماهواره های مخابراتی، کشورهای در حال توسعه و متضرر از این اقدامات دست به ارسال پارازیت بر شبکه های متعلق به جبهه مخالف می زنند که نتیجه آن تنها درون سرزمین همان کشور قابل مشاهده است.

کنترل کشورهای معدودی بر ماهواره ها و نظام های ماهواره ای می تواند در امنیت شبکه های فعال در آن ماهواره که سیاست هایشان با سیاست های دولت مربوطه موافق نباشد، تأثیر گذارد. با این حال نباید از فواید وجود این امکان غافل شد چه آنکه شبکه هایی مانند شبکه وصال که تفرقه افکنی میان شیعه و سنی را دنبال می کرد از نایل ست حذف شدند.

۲. نقض حاکمیت کشورها و رسانه فراملی

برخی از رسانه های فراملی سیاست خود را با هدف لطمه به حاکمیت و حکومت برخی کشورها تنظیم کرده اند و برخی دیگر ممکن است به طور موردی مرتکب این تخلفات شوند. مصادیق نقض حاکمیت از سوی رسانه های فراملی عبارتند از تحریک به نسل کشی، تحریک به نقض صلح، مداخله در امور داخلی، بیانات افترا آمیز، تشدید اختلافات بین المللی، جعل حقوق تاریخی کشور و سیاسی کردن وقایع حقوقی.

الف) تحریک به نسل کشی: تبلیغات رسانه ای برای نسل کشی در قضایای آلمان نازی، بوسنی و رواندا مشاهده شده است.^۲ باید توجه داشت که پس از دادگاه نورمبرگ و توکیو ممنوعیت نسل کشی از سوی عرف بین المللی تأیید شد و تحریک به این اقدام به هر وسیله ای ولو از طریق رسانه فراملی از سوی اساستامه دیوان بین المللی کیفری ممنوع شده است.^۳ دیوان نورمبرگ در

۱. مانند قطع شبکه های الخليجه، الحافظ، الناس، الصفاء، الوصال، هال الییت (ع) و العالم از نایل ست؛ شبکه سحر یک از یوتل ست و العالم از عرب ست؛ برخی از این اقدامات با اعتراض مقامات دولتی در اتحادیه بین المللی مخابرات مواجه شده است. همچنین برخی از شبکه ها با اخلال در سیگنال و یا هشدار مواجه می شوند مانند اخلال در سیگنال پرس تی وی و هشدار به شبکه الانوار از سوی نایل ست.

2. C. G. Fenwick, Intervention by Way of Propaganda, The American Journal of International Law, Vol. 35, No., 1941, p. 628.

۳. ابراهیم بیگ زاده، بررسی جنایت نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساستامه دیوان کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲، ۱۳۷۷، صص ۶۹-۱۰۴.

قضیه «تبلیغات استریچر»^۱ بیان نمود که «تحریک برای قتل و براندازی بر اساس دلایل سیاسی نژادی در ارتباط با جنگ در زمانی که یهودیان در غرب در حال کشته شدن بودند از مصادره جرم علیه بشریت است».^۲

ب) تحریک به نقض صلح: تحریک به نقض صلح یا تحریک به جنگ از طریق رسانه ملی از طریق تبلیغاتی صورت می گیرد که مخاطب آن شامل مقامات دولتی، نظامیان، شبه نظامیان و افکار عمومی است. هارولد^۳ اهداف تبلیغات رسانه ای در زمان جنگ و بحران های بین المللی را در طول تاریخ شبیه یکدیگر دانسته است و در تحقیقی آماری از تبلیغات رسانه ای در جنگ جهان اول به این نتیجه رسید که این تبلیغات در زمان جنگ یکی از این چهار استراتژی را دنبال می کنند. ۱. ایجاد تنفر نسبت به دشمن، ۲. حفظ دوستی میان متحدان، ۳. در صورت امکان جلب همکاری کشورهای بی طرف و ۴. تضعیف روحیه دشمن.^۴

ممکن است که تشویق به جنگ از سوی رسانه یک کشور برای مردم و مقامات کشوره خارجی علیه کشوری ثالث صورت پذیرد که این امر تحریک به جنگ تلقی خواهد شد؛ چنانچه جمال عبدالناصر تلاش نمود که برخی کشورهای عربی را برای نابودی اسرائیل ترغیب نماید.^۵ باید توجه داشت که افروختن آتش جنگ میان دو کشور مصداق تجاوز مذکور در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نیست از آن رو که کشور تبلیغ کننده خود دست به نقض تمامیت ارضی یک کشور نزده است بلکه از طریق مانورهای رسانه ای کشوری دیگر را به تجاوز به خاک کشوری دیگر ترغیب کرده است. این اقدام تنها می تواند نقض بند ۱ ماده ۱ منشور ملل تلقی شود که در کنا ممنوعیت تجاوز، از ممنوعیت «سایر کارهای ناقض صلح» سخن به میان می آورد.

. Streicher

. op. cit., p. 636.

. Harold D. Lasswell

. W. Phillips Davison, Some Trends in International Propaganda, Propagandain International Affairs, Vol. ۳۹۸, ۱۹۷۱, p. 12.

بیشتر تبلیغات رسانه ای در دوران صلح با هدف جلب توریسم، افزایش صادرات و تبلیغات تجاری بوده است؛ نحوی که شرکت های امریکایی در سال ۱۹۵۳ مبلغ ۲۸۹ میلیون دلار برای تبلیغات تجاری خود به دیگر کشوره پرداختند.

.John B. Whitton, Hostile International Propaganda and International Law, Propagandain International Affairs, Vol. 398, 1971, p. 21.

همچنین ممکن است که تبلیغ رسانه ای برای تشدید یک جنگ از سوی رسانه متعلق به کشوری صورت پذیرد که خود در وضعیت صلح به سر می برد و درگیر جنگ نیست. روش دیگر این است که کشور ثالث، از طریق تبلیغات رسانه ای تنها به دنبال تضعیف اقتدار یکی از طرفین جنگ باشد تا از این طریق بستر مناسب برای پیروزی طرف دیگر فراهم شود. این اقدامات می تواند نقض اصل بی طرفی در حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی تلقی شود.^۱ این اقدامی بود که توسط ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت.^۲ همچنین در همین جنگ بود که کشورهای متفق از نیروی تبلیغات رسانه ای برای شکست نیروهای متحد استفاده بردند و بر این اساس، ایالات متحد آمریکا ۳۶ ایستگاه رادیویی را در قاره آمریکا و ۱۴ ایستگاه رادیویی را در خارج از آمریکا مستقر نمود.^۳

کمیته حقوقی جامعه ملل در سال ۱۹۳۲ قویاً تبلیغات جنگی را ممنوع اعلام کرد. کنوانسیون استفاده از پخش برنامه در ایجاد صلح که در همین دوران در سال ۱۹۳۶ به تصویب رسید اعضا را متعهد می کند که تضمین نمایند که برنامه هایشان موجب تحریک به جنگ یا اقداماتی که منجر به جنگ می شود، نشوند. این معاهده توسط تعداد کمی از کشورها به تصویب رسید و بعداً توسط سازمان ملل متحد اصلاح گردید.^۴ مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ به پیشنهاد نماینده روسیه در سازمان ملل در قطعنامه ای «تمام اشکال تبلیغ در تمام کشورها با هدف تحریک یا تشویق برای تهدید صلح، نقض صلح و تجاوز»^۵ را محکوم نمود.^۶ همانطور که مشاهده می شود رویه بین المللی موجد ممنوعیت تحریک به جنگ و یا تشدید آن از طریق رسانه های جمعی است.

۱. محمد رضا ضیایی یگدلی، حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۲. در رویه دیوان نورمبرگ مواردی از محکومیت افراد به استاد تحریک به جنگ وجود دارد مانند محکومیت رادولف هس (Rudolph Hess) و روزنبرگ (Rosenberg) به اتهام گسترش تفکرات نازی از طریق انتشار کتب و مقالات.

Trial Of The Major War Criminals Before The International Military Tribunal, at 283-84 and at 294

3. Phillips Davison, op. cit., p. 5.

4. General Assembly Resolution ۸۴۱ (IX) ۱۷, December ۱۹۵۴.

5. condemns all forms of propaganda, in whatsoever country conducted, which is either designed or likely to provoke or encourage any threat to the peace, breach of the peace, or act of aggression

6. Ibid, p. 23.

ج) **مداخله در امور داخلی:** مداخله در امور داخلی کشور عبارت است از اقدام علیه امری که دولت آن را به سطح تعهدات بین المللی خود نرسانده است^۱ مانند روش حکومت داری که ه دولتی بر اساس ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خاص خود پذیرفته است. لذا اگر تبلیغات رسانه ای برای تغییر در نحوه حکومت و نوع حکومت باشد در حالی که دولت مربوطه شیو حکومت را موضوع هیچ یک از معاهدات بین المللی خود نکرده باشد، مداخله در امور داخلی رده داده است.^۲

مداخله رسانه ای در امور داخلی کشورها امری مسبوق به سابقه بوده است. امریکا و انگلستان در طول جنگ جهانی اول و شوروی پس از جنگ جهانی اول به تبلیغات ایدئولوژیک خود ادامه دادند. این عملکرد شوروی در سال ۱۹۲۳ از سوی وزارت خارجه انگلستان مورد اعتراض قرار گرفت. در دوران جنگ جهانی دوم نیز آلمان نازی اقدام به تأسیس وزارت تبلیغات نمود تا هم به طور داخلی و هم به طور خارجی اقدام به تبلیغات رسانه ای کند. همچنین بسیاری از کشورها برای تثبیت قدرت خود به تبلیغات رسانه ای در کشورهای ثالث دست زده اند، مانند تبلیغات رادیویی هلند در هند شرقی در سال ۱۹۲۷ و پخش برنامه از سوی فرانسه برای مستعمرات خود در سال ۱۹۳۱. همچنین در سال ۱۹۳۴ بریتانیا سیاست تبلیغ سبک زندگی و عقاید انگلیسی ها را به طور وسیعی با هدف تقویت فرهنگ سنتی کشورهای مشترک المنافع، دنبال نمود. در سال ۱۹۳۷ نیز به دنبال حمله ایتالیا به خاور میانه یک ایستگاه رادیویی در فلسطین شروع به برنامه سازی مستمر برای اعراب نمود.^۳ در سالهای اخیر نیز بحث مداخله رسانه ای در امور داخلی کشورها با اعتراضات

.ICJ Rep. Concerning Military and Paramilitary Activities In and Against Nicaragua, 1984.

۲. به همین دلیل گفته شده است که «کمک رساندن مستقیم یا غیرمستقیم به هر نامزد یا حزب سیاسی، گروه دسته بندی یا هر گونه شرکت جستن یا اعمال نفوذ در انتخابات، یا کمک مالی یا تأمین هر گونه هزینه ای در ارتباط هر مبارزه انتخاباتی یا فعالیت سیاسی حزبی برای هر بیگانه ای غیرقانونی خواهد بوده و در این راستا کشورهایی چون آفریقای جنوبی، تایوان، امریکا و رژیم صهیونیستی قوانینی در راستای این ممنوعیت تصویب کرده اند. لوری فیسلر دامروش، ترجمه علیرضا طیب، سیاست بر فراز مرزها: اصل عدم مداخله و نفوذ غیر قهری بر مسائل داخلی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۳، ۱۳۷۰، ص ۳۷.

۱. W. Phillips, op. cit., p. 6.

زیادی از سوی برخی کشورها مواجه بوده است که برخی از آنها در اتحادیه بین المللی مخابرات به ثبت رسیده است.^۱

در خصوص مداخلات رسانه ای در امور داخلی، کشورها مواضع مختلفی دارند. برخی از کشورها با این اقدام رسانه ای بطور فعالانه مقابله می کنند و برخی کشورها نه تنها مانع از این اقدام نمی شوند بلکه خود به طور رسمی به اینکار اقدام می کنند. کشور آلمان از کشورهایی است که منع مداخله در یک کشور را منوط به اقدام متقابل از سوی آن کشور کرده است. حداقل بیست و هفت کشور اقداماتی که تهدیدی علیه صلح موجود باشد را بدون شرط اقدام متقابل، جرم انگاری کرده اند. به طور مثال سوئیس روزنامه هایی که به روابط مناسب سوئیس با سایر کشورها لطمه می زند را به حالت تعلیق در می آورد. رویه دادگاه های آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نیز حاکی از آن است که این دادگاه نه فقط جنگ تجاوزکارانه را محکوم کرده است بلکه تجاوز ایدئولوژیکی را نیز محکوم کرده است.^۲ اما کشورهایی مانند انگلستان، ژاپن، امریکا هستند که هیچ منعی برای تبلیغات خصمانه ایجاد نکرده اند.^۳ در این حالت می توان بر اساس قاعده استاپل^۴، مداخله رسانه ای در امور داخلی این کشورها را جایز دانست. به عبارت دیگر در مواردی که کشورها این اقدام را ممنوع می دانند چنانچه دست به مداخله رسانه ای در امور داخلی کشوری زده شود، کشور مورد مداخله می تواند به استناد عمل متقابل^۵ مذکور در ماده ۲۲ طرح مسئولیت بین المللی دولتها^۶، به مداخله رسانه ای متقابل دست زند؛ اما چنانچه کشوری، چنین مداخله ای را ممنوع ندانسته باشد، کشورها می توانند ابتدائاً دست به مداخله رسانه ای در آن کشور زنند. چنین اقدامی با مسئولیت بین المللی همراه نخواهد بود چه آنکه پیش شرط طرح مسئولیت بین المللی،

1. See http://www.itu.int/dms_pub/itu-s/md/03/wsispcip/td/030721/S03-WSISPCIP-030721-TD-GEN-0003!P1!PDF-E.pdf

2. John B. Whitton, op. cit., p. 22.

3. Vernon Van Dyke, The Responsibility of States for International Propaganda, The American Journal of International Law, Vol. 34, No. 1 (Jan., 1940), p. 67.

۴. قاعده استاپل عبارت است از منع انکار پس از اقرار به این معنا که اگر دولتی به فقدان حقی برای خود اقرار کرد نمی تواند بعداً مدعی وجود آن حق شود و اگر به وجود حقی برای ثالث اقرار کرد نمی تواند بعداً مدعی فقدان آن حق شود.

5. countermeasures

6. Draft Convention on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

وجود یک تعهد بین المللی متقابل است؛ اما در این حالت دولت مربوطه به طور یکجانبه اعتقاد به وجود چنین تعهدی ندارد.

در میان کشورهایی که به ممنوعیت مداخله رسانه ای اعتقاد دارند برخی به تصویب توافقات یا چندجانبه برای اطمینان از عدم مداخله رسانه ای در امور داخلی یکدیگر اقدام کرده اند؛ ما معاهده محرمانه میان اتریش و مجارستان مورخ ۱۹۲۰ و نیز اعلامیه اتحاد برای حفظ تمام سیاسی کشورهای آمریکایی در برابر مداخله جامعه بین المللی که در دهمین کنفرانس بین المللی کشورهای آمریکایی در سال ۱۹۵۴ به تصویب رسید.^۱

استفاده از رسانه های جمعی برای تثبیت وضعیت های نامشروع مانند تقویت قدرت اشغالگر استعمارگر و نژادپرست، یکی از مصادیق مداخله رسانه ای در امور داخلی کشورهاست که مسئولیت بین المللی مضاعف مواجه است؛ یکی به دلیل نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها و دیگری نقض حق تعیین سرنوشت مردم تحت استعمار و اشغال و حکومت نژادپرست در این راستا باید توجه داشت چنانچه وضعیت حکومتی مغایر حق تعیین سرنوشت باشد، مداخله در آن چه از طریق رسانه و چه از طریق دیگری، نه تنها ممنوع است بلکه در سه حالت اشغال استعماری و حکومت نژادپرستی توصیه شده است. این توصیه از قطعنامه های مختلف مجامع عمومی سازمان ملل متحد قابل کشف است.^۲ بر این اساس مداخله رسانه ای جمهوری اسلامی ایران در راستای احیای حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین، نه تنها ممنوع نیست بلکه مبتنی بر وظیفه بشردوستانه و حقوق بین المللی ایران است.^۳

یکی از اقدامات رایج در مداخلات رسانه ای علیه سایر کشورها، پخش برنامه هایی برای اتمام از کشور مورد هدف است که قومیت کشور مداخله کننده را دارا هستند. مانند تحریک ترکها

Arthur Larson, op. cit., p. 447.

G.A Resolution 2526 (1970), General Assembly Res. 1514 (1960), General Assembly Res. 1541 (1960)

۳. این موضع متفاوت است از مداخله رسانه ای به استناد مشروعیت مداخله بشردوستانه؛ چه آنکه اولاً مداخله بشردوستانه مفهومی وسیع تر است و تمام وضعیت هایی که در آن نقض حقوق بشر صورت می گیرد را در برمی گیرد. ثانیاً تشخیص وضعیت های نقض حقوق بشر به طور یکجانبه از سوی دولتها صورت می گیرد و این رویه می تواند خطراتی را برای منافع بسیاری از کشورها به دنبال داشته باشد. برای مطالعه بیشتر ن. ک. فاطمه پیروز، مداخله بشردوستانه: نقض قاعده یا استثناء، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، ۱۳۸۶.

ایران و قبرس از سوی یک رسانه ترک. فراتر از این، برخی کشورها مداخله در امور شهروندان یک کشور که از اتباع کشور مداخله کننده هستند را نیز ممنوع می دانند. به همین دلیل کنفرانس کشورهای امریکایی در قطعنامه ای بیان داشت که «بیگانگان تحت صلاحیت کشور سرزمینی هستند و کشورهای متبوع آنها حق ندارند به بهانه تنظیم امور آنها در این کشورها مداخله نمایند»^۱ و اینکه این بیگانگان در کشور نمی توانند به عنوان اقلیت مطرح شوند.^۲

نکته دیگر این است که مداخله در امور داخلی از سوی چه رسانه هایی امکان تحقق دارند و آیا ایستگاه های رادیویی- تلویزیونی که در یک کشور خارجی مستقر است تحت صلاحیت کشور محل استقرار است و یا کشور متبوع آن رسانه؟ اگر فعالیت این ایستگاه را تحت صلاحیت کشور محل استقرار بدانیم مفهوم مداخله در امور داخلی کشورها موضوعیت نخواهد داشت و اگر آن را مشمول صلاحیت کشور محل استقرار بدانیم تنها اتهام جرم خیانت و اخلاف در امور داخلی مطرح خواهد بود و چنانچه آن را مشمول صلاحیت کشور متبوع بدانیم مداخله در امور داخلی مصداق خواهد داشت. آنچه در رویه بین المللی پذیرفته شده است اولویت داشتن صلاحیت سرزمینی بر هر صلاحیت دیگری مانند صلاحیت شخصی (تابعیت) است. لذا ایستگاه های مستقر در کشورهای خارجی چنانچه اقدام به فعالیت سوء علیه امور داخلی یک کشور کنند هرچند در ادبیات رسانه ای و سیاسی از آن به مداخله در امور داخلی یاد می شود اما باید توجه داشت که از نظر حقوقی این فعالیت تنها می تواند در چارچوب جرائمی چون اخلاف در نظم عمومی و امنیت ملی، مسئولیتی ملی به دنبال داشته باشد.^۳

د) بیانات افتراءآمیز: یکی از اقداماتی که رسانه های خارجی ممکن است در قبال یک دولت انجام دهند بیانات یا تبلیغات افتراءآمیز^۴ است که امری فی مابین مداخله در امور داخلی و نشر اکاذیب محسوب می شود. تبلیغات افتراءآمیز عبارت است از نوشته ها و بیاناتی که بطور غیراخلاقی شهروندان کشور خود را علیه سران، نمایندگان دولتی، دیپلمات ها، نهادهای عمومی و مردم

1. Resolution XXVIII

2. C.G.Fenwick, op. cit., p. 628.

۳. لذا یکی از روشهای مناسب برای اجتناب از اتهام مداخله رسانه ای در امور داخلی یک کشور، تأسیس استودیوهای رادیویی و تلویزیونی در کشور مورد نظر است چرا که برای یک رسانه دولتی، مسئولیت ناشی از نقض حقوق داخلی یک کشور سهل تر از مسئولیت ناشی از نقض حقوق بین الملل است.

4. Defamatory Propaganda

کشور دشمن تحریک نماید.^۱ تفاوت تبلیغات افتراآمیز با مداخله در امور داخلی در این است هدف اولی تغییر نگرش افکار عمومی نسبت به یک کشور است در حالی که نگرش تبلیغ شد واقعیت فاصله دارد اما هدف دومی تغییر شکل حاکمیت در یک کشور است فارغ از اینکه چه تغییری از نظر سیاسی و وجدانی، بر حق باشد و یا نباشد.

این تبلیغات هرچند با هدف آغاز جنگ و یا تشدید آن نیست اما هدف از آن ایجاد تصور نادرست از وضعیت موجود در کشور مربوطه است. به طور مثال ارائه تحلیل هایی در رسانه شائبه فاشیست بودن یک رئیس جمهور را ایجاد نماید، نوعی تبلیغ افتراآمیز صورت گرفته است نوع دیگر تبلیغات افتراآمیز تلاش برای «واژگونه نمایی قوانین داخلی» یک کشور است، اقدام برخی رسانه های بیگانه برای القاء این مطلب که در کشورهای اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران مجازات هرگونه جرائم منافی عفت، سنگسار است در حالی که چنین نیست.

برخی کشورها تبلیغات افتراآمیز را در قوانین داخلی خود ممنوع کرده اند^۲ و برخی کشورها طور خاص از دیپلمات ها و سران کشورهای خارجی در برابر تبلیغات سوء، قوانینی به تصویب رسانده اند.^۳ ممنوعیت بیانات افتراآمیز در حقوق بین الملل از اصول کلی حقوقی محسوب می شود، از آن رو که ممنوعیت تبلیغات افتراآمیز از برخی قوانین داخلی مانند افترا^۴ و تهمت نشأت گرفته است و لذا می توان آن را از اصول کلی حقوقی بین المللی تلقی نمود. با استناد به قوانین داخلی شاید بتوان گفت که عذرخواهی روش مناسبی برای جبران خسارت از زیانده است، که می توان یک شخص و یا یک دولت باشد.

۵) تشدید اختلافات بین المللی: یکی از اهداف سازمان ملل متحد که در بند ۳ ماده ۱ منشور^۵ شده است حل اختلافات بین المللی از طرق مسالمت آمیز است.^۶ لذا تشدید یک اختلاف بین المللی مسئولیتی مضاعف برای یک کشور به دنبال خواهد داشت. رسانه های فراملی در ح

ohn B. Whitton, op. cit., p. 19.

۲. برخی از کشورهایی که تبلیغات افتراآمیز را در قوانین داخلی خود ممنوع کرده اند عبارتند از امریکا، بلژیک، اسپانیا، چک و اسلواکی، یونان، سوئیس، فنلاند، یوگسلاوی، لیختن اشتاین و اسرائیل.

Arthur Larson, op. cit., p. 451.

bel
lander

۶. این ماده بیان می دارد «کلیه اعضا اختلافات بین المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و آسایش بین المللی را به خطر نیافتد، حل خواهند کرد».

فصل و نیز تشدید اختلافات بین المللی می توانند مؤثر واقع شوند. چنانچه یک رسانه تنها به برجسته سازی اختلافات میان کشورها و اقوام مختلف بپردازد و به این دشمنی ها دامن زند مطمئناً اگر از رسالت رسانه ای خود دور نشده باشد از رسالت حقوقی و بین المللی خود دور شده است. به همین دلیل جامعه بین المللی، طی توافقاتی بر این تعهد تصریح کرده اند.

قطعه نامه «بانی صلح»^۱ مصوب مجمع عمومی و مورخ ۱۹۴۹ (با ۵۳ رأی موافق و ۵ رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع) تأکید می کند که کشورها باید از هرگونه تهدید یا اقدام مستقیم یا غیرمستقیم با هدف لطمه به آزادی، استقلال یا تمامیت کشورها و از دامن زدن به اختلافات داخلی و اخلاف به اراده مردم یک کشور پرهیز نمایند.^۲ در بند ۱۲ ماده ۲ قطعه نامه دیگری از مجمع عمومی تحت عنوان «جرائم علیه صلح و امنیت بشری» مورخ ۱۹۵۲ بیان می شود که «مباشرت و یا تحریک مقامات دولتی به تشدید اختلافات داخلی در کشوری دیگر یا تحمل فعالیت های سازمان یافته ای که اختلافات داخلی را در کشوری دیگر تشدید می کند»، سبب مجازات افراد مسئول خواهد شد. این قطعه نامه دو نکته قابل توجه دارد؛ اول اینکه مسئولیت کیفری فرد را در قبال تشدید اختلاف بین المللی مطرح می کند و دوم اینکه به مباشرت و تحریک برای تشدید اختلافات بسنده نمی کند بلکه تحمل^۳ این اختلافات را نادرست می داند، که این نکته در راستای تعهد مثبتی است که بند ۳ ماده ۱ منشور ایجاد کرده است.

سیاست رسانه های فراملی در تشدید اختلافات بین المللی یک عمل متخلفانه بین المللی است که بعضاً با اعتراضات دیپلماتیک مواجه شده اند و این خود به معنای اعتقاد دولتها به مغایر بودن این اقدامات با حقوق بین الملل است.^۴

(و) جعل حقوق تاریخی کشور: رسانه های فراملی عرصه ای برای تسویه حساب های تاریخی و جغرافیایی نیز هستند. ممکن است یک رسانه با تبلیغات هدفمند خود به تحریف واقعیات مربوط به حقوق تاریخی یک کشور اقدام نماید که می تواند شامل حق دولت بر اموال فرهنگی و باستانی خود، حق دولت بر حفظ نام اماکن و بخش های جغرافیایی و حق یک دولت بر مالکیت و حاکمیت بر اماکن و بخش های جغرافیایی مختلف شود. لذا تلاش برخی رسانه ها برای تعلق اموال فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به کشورها و اشخاص خصوصی ثالث، ترویج نام مجعول

1. Essentials of Peace

2. U.N. Yearbook, Res. 290 (IV), U.N. Pub. Sales No. 95.

3. toleration

4. John B. Whitton, op. cit., p. 23.

خلیج فارس و ایجاد تشکیک در مالکیت جمهوری اسلامی ایران بر جزایر سه گانه از این موارد است.

اقدام به هر یک از این موارد نقض تعهدی در حقوق بین الملل است.^۱ چنانچه ایجاد تشکیک در حاکمیت یک کشور باشد نقض اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها مذکور در بند ۴ ماده ' منشور است، چنانچه تحریف در مالکیت آثار ملی و فرهنگی یک کشور باشد می تواند نقض کنوانسیون «روشهای ممنوع کردن و جلوگیری کردن واردات، صادرات و انتقال غیر قانونی مالکیت اموال فرهنگی»^۲ مورخ ۱۹۷۰ تلقی شود و چنانچه تحریف نام اماکن جغرافیایی باشد می تواند نقض گزارش کارگروه اسامی جغرافیایی شورای اقتصادی و اجتماعی^۳ و یا بی توجهی با نزاکت بین المللی باشد. به طور مثال شصت و یکمین گزارش جلسه بیست و سوم کارگروه اسامی جغرافیایی در ۴ آوریل ۲۰۰۶ به اعتبار تاریخی، جغرافیایی و حقوقی نام خلیج فارس اختصاص یافت که در این گزارش بر نام خلیج فارس تأکید گردید.^۴

ز) سیاسی کردن وقایع حقوقی: یکی دیگر از اقداماتی که رسانه های جمعی برای تحریک افکار عمومی علیه یک کشور انجام می دهند سیاسی کردن وقایع حقوقی است که از طریق آن به واژگون کردن حقایق، افکار عمومی را به سمت خاصی هدایت می کند. وقایعی حقوقی هستند که یا در نهادی حقوقی در حال رسیدگی هستند و یا لازم است که رسیدگی شود. نمونه های این اقدام علیه کشورمان، سیاسی کردن اخباری چون حق فعالیت صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران، بازداشت سه کوهنورد امریکایی، اختلاف میان دولت و مجلس و وقف دانشگاه آزاد است.

1. Jan Hendrik Willem Verzijl and others, International law in historical perspective, Martinus Nijhoff Publishers, 1998, p. 267.

2. Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property

3. United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)

۴. این گروه در بخشی از گزارش خود بیان می کند که حتی اگر جغرافی دانان گذشته نام خلیج فارس را برای این خلیج انتخاب نکرده بودند، بهترین نام برای این خلیج همان نام ایران (پرشیا) بر این خلیج بوده چرا که ایران بیشترین مرز را با این خلیج دارد و با جمعیتی حدود ۷۰ میلیون کشوری است که در میان کشورهای ساحلی خلیج بیشترین جمعیت را داراست. این گزارش اعلام می دارد «در طول قرون، حداقل ۲۵۰۰ سال که بخش عمده ای از آن در زمان امپراطوری فارس بوده است، هیچگاه میان تاریخ دانان و نویسندگان در خصوص یک نام در خاورمیانه چنین اتفاق نظری وجود نداشته است».

هرچند سیاسی کردن اختلافات حقوقی در رسانه های فراملی نقض تعهدی در حقوق بین الملل نیست اما می تواند به عنوان تسبیب در تشدید اختلافات بین المللی و منحرف کردن روند رسیدگی قضایی مشمول عناوین مجرمانه ملی و منطقه ای باشد. به طور مثال برخی از کشورها مداخله در امور قضایی را جرم انگاری کرده اند که در این حالت می توان رسانه های فراملی را تحت عنوان صلاحیت سرزمینی و واقعی^۱ مورد پیگرد قرار داد.

۳. مسئولیت بین المللی رسانه های فراملی

الف) مبانی مسئولیت بین المللی رسانه های فراملی: هرگونه عمل متخلفانه در حقوق بین الملل متضمن مسئولیت بین المللی است که متخلف را با چند تعهد ثانوی مواجه می کند: توقف عمل متخلفانه، اجرای تعهد بین المللی، جبران خسارت (که شامل اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت، اقرار به تخلف، اظهار تأسف و یا عذرخواهی رسمی است) از جمله این تعهدات است^۲ و چنانچه عمل متخلفانه نقض یک قاعده آمره باشد مانند تحریک به نسل کشی و یا تجاوز از طریق رسانه، سایر کشورها متعهد به عدم شناسایی وضعیت نامشروع، عدم کمک به استمرار وضعیت و همکاری برای پایان بخشیدن به این وضعیت می شوند.^۳ در خصوص رسانه فراملی می توان این تعهد را به تقبیح اقدام صورت گرفته و عدم کمک مالی و قطع کمک های مادی و معنوی به رسانه مربوطه تفسیر نمود.

علاوه بر تعهدات عام الشمولی که رسانه های فراملی را نیز متعهد می سازد (مانند ممنوعیت تحریک به تجاوز و مداخله در امور داخلی کشورها) برخی تعهدات خاص برای رسانه های فراملی نیز وجود دارد. به طور مثال کنوانسیون «استفاده از پخش برنامه برای ایجاد صلح» مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۶ که از سوی ۱۹ کشور به تصویب رسیده است، کشورهای عضو را از مداخله رسانه ای در قلمروی یکدیگر منع می کند. لذا نقض چنین تعهدی می تواند هم نقض یک تعهد بین المللی عام و هم نقض یک تعهد بین المللی خاص تلقی شود. اما در برخی موارد دولتها تلاش

۱. صلاحیت واقعی عبارت است از اعمال صلاحیت بر اقداماتی خارج از سرزمین یک کشور که بر امنیت ملی و یا نظم عمومی یک کشور مؤثر باشد.

2. Draft Convention on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Article 37.

3. Draft Convention on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Article 41.

کرده اند تا از شمول تعهد بین المللی خاص در عرصه فعالیت رسانه های فراملی خارج شوند. م
اتفاق نظر یونان و صربستان در سال ۱۸۶۷ و ۱۸۶۸ که برای تبلیغات رسانه ای علیه ترکیه به تو
دوجانبه رسیدند.^۱

در جایی که با یک تعهد بین المللی عام مواجه باشیم به نظر می رسد امکان طرح مسئو
بین المللی رسانه فراملی مستقل، به طور مستقل (و نه دلیلی برای مسئولیت دولت میزبان) و
دارد. حقوق بین الملل موجود به دلیل فقدان سازوکارهای مناسب برای طرح مسئولیت بازیگ
غیردولتی، به این امکان کمتر توجه کرده است و کشورها سعی می کنند تا مسئولیت چ
رسانه‌هایی را در سیستم قضایی داخلی پیگیری نمایند که در این حالت مسئولیت مدنی و کیف
رسانه مطرح خواهد بود^۲ و نه مسئولیت بین المللی رسانه متخلف. به همین دلیل در عمل تلا
می شود تا اقدام متخلفانه رسانه به یک کشور منتسب شود تا امکان پیگیری آن در سطح بین الم
وجود داشته باشد.

هرچند مسئولیت بین المللی دولتهایی که از رسانه های فراملی متخلف، پشتیبانی می کنند مه
است اما یکی از پیچیدگی ها در عرصه ارتباطات مبهم بودن ماهیت حقوقی رسانه های فرا
است به نوعی که انتساب برخی رسانه ها به یک دولت امری پیچیده و طاقت فرساست.^۳ چنا
توان وابستگی یک رسانه را به یک دولت اثبات نمود نظام حقوقی مسئولیت بین المللی دو
جاری می شود اما مشکل اساسی در جایی است که نتوان این انتساب را احراز کرد. در این مو
این سوال مطرح می شود که آیا می توان مسئولیت بین المللی دولتها را به رسانه های فرا
خصوصی تعمیم داد؟

7emon Van Dyke, op. cit., p. 61.

David Hemmings Pritchard, *Holding the media accountable: citizens, ethics, and law*, Indian University Press, 2000.

۳. به طور مثال شبکه بی بی سی در نظام حقوقی انگلستان به عنوان یک شرکت عمومی مستقل اعلام شده که م
منشور سلطنتی (royal charter) مستقله فعالیت می کند و مأموریت آن، اطلاع رسانی، آموزش و فرح بخشی
شده است که از مداخله هر گروه خصوصی و دولتی باید مستقل بماند. با این حال اماراتی وجود دارد که احت
وابسته بودن این شبکه نظام پادشاهی انگلستان را تقویت می کند؛ به طور مثال بنگاه سخن پراکنی جهانی BBC
بخشی از BBC است که بودجه خود را بطور مستقیم از دولت انگلستان دریافت می کند و در انگلستان معم
نهادهای دولتی از حمایت منشور سلطنتی بهره می برند. گزارش گروه مطالعات حقوقی شورای راهبردی شبکه خ
پخش برنامه های فرامرزی و نقض حقوق بین الملل با تأکید بر مداخله BBC فارسی در امور داخلی ایران پسر
انتخابات دهم ریاست جمهوری، ۱۳۸۹، ص ۳.

ب) مسئولیت بین المللی رسانه های فراملی خصوصی: در مجموع یک رسانه ممکن است وابسته به نهادی از دولت باشد، وابسته به نهادی شبه دولتی باشد، وابسته به حزبی باشد که دولت بر آن کنترل دارد و یا کاملاً مستقل باشد. در حالی که مسئولیت دولت به جهت فعالیت رسانه های دولتی محرز است اما در خصوص رسانه های مستقل اختلاف نظر وجود دارد.^۱

دو نظریه در مورد تخلفات رسانه های مستقل وجود دارد: مکتب مسئولیت موسع و مکتب مسئولیت مضیق. هر دو نظریه اقدامات متخلفانه اتباع در صورتی که آشکار باشد را موجب مسئولیت دولت متبوع می دانند، اما در نظریه مسئولیت مضیق تا زمانی که حمایت کشور از حمایت معنوی صرف تجاوز نکند موجب طرح مسئولیت برای دولت نمی شود.^۲ با این حال مشخص نیست، دولتی که مسئولیت آن مطرح است دولت متبوع رسانه است و یا کشور محل استقرار ایستگاه رادیویی و تلویزیونی؟

در حقوق بین الملل، این قاعده کلی وجود دارد که دولتها مسئول اقدام اشخاص خصوصی نیستند اما در این خصوص استثنائاتی وجود دارد که در ارتباط با موضوع پیش رو به دو استثنا اشاره می شود: یکی اینکه توافقی میان کشورها وجود داشته باشد در خصوص توسعه مسئولیت اشخاص به دولت، دیگر اینکه اقدام رسانه های مستقل، تحریک به اقدامات تروریستی و نسل کشی و سایر جنایات بین المللی باشد که به موجب اسناد بین المللی دولتها متعهد به جلوگیری از اشخاص خصوصی برای این اقدامات شده اند.^۳

در خصوص توافق میان کشورها برای مسئول قلمداد کردن اشخاص خصوصی می توان به معاهده میان فرانسه و روسیه مورخ ۱۸۰۱، حقوق مطبوعاتی کنفدراسیون آلمان مورخ ۱۸۱۹ و معاهده میان اتریش-مجارستان و صربستان مورخ ۱۸۸۱ اشاره نمود. در کل حداقل ۱۱ معاهده در خصوص این موضوع از سال ۱۹۰۰ در میان ۳۹ کشور به امضا رسیده است.^۴ همچنین ماده ۴ کنوانسیون ژنو مورخ ۱۹۳۶ دولتهای عضو را متعهد کرده است تا فعالیت صحیح رسانه هایی را که

1. John B. Whitton, op. cit., p. 21.

2. op. cit., p. 23.

۳. به طور مثال در سال ۱۷۹۴ آمریکا قانونی تصویب کرده که هر کسی (به طور خودسرانه) به اعزام نیرو زمینی و دریایی علیه کشوری دوست اقدام نماید مجازات می شود. این قانون شامل افرادی می شود که از هر وسیله ای برای این جرم استفاده نماید و یا کمک مالی نماید. لذا این قانون شامل فعالیت رسانه های مستقل در امریکا نیز می شود.

Arthur Larson, op. cit., p. 450.

4. Vernon Van Dyke, op. cit., p. 61.

برنامه های خود را از داخل سرزمین آنها پخش می کنند تضمین نمایند و پخش کنندگان برنامه های فراملی را در چارچوب نظام ملی مسئولیت پذیر نمایند.^۱ همچنین ماده ۴ کنوانسیون بین المللی استفاده از ایستگاه های رادیویی برای ایجاد صلح^۲ مورخ ۱۹۳۶، اعضای معاهده را ملزم می سازد صحت اطلاعات ارسالی از ایستگاه های موجود در داخل مرزهای خود را به خصوص در مواقع بحرانی تضمین نمایند.

تعهد دولتها به تضمین مبارزه با جنایات بین المللی مانند نسل کشی و تروریسم، از قطعنامه های بین المللی و اسناد بین المللی قابل استخراج است. به طور مثال، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل کشی^۳ به تعهد دولت ها برای جلوگیری از این جنایت توسط افراد خصوصی اشاره دارد و قطعنامه ۱۷۰۳ به تعهد دولتها برای پناه ندادن^۴ به تروریست ها دلالت داشته است. لذا هرگونه اقدام به این جنایات از سوی رسانه های خصوصی در داخل سرزمین یک کشور می تواند مسئولیت بین المللی دولت مربوطه را نیز به دنبال داشته باشد.^۵

صرف نظر از مسئولیت بین المللی دولت به سبب اقدامات رسانه های خصوصی، این اعتقاد نیز وجود دارد که امکان طرح مسئولیت بین المللی علیه رسانه های خصوصی به طور مستقل وجود دارد. در این نگرش علاوه بر وجود اسناد بین المللی مختلف که در آن به مسئولیت بازیگران غیردولتی مانند شرکت های خصوصی، گروه های شبه نظامی و افراد خصوصی اشاره شده است^۶

1. Arthur Larson, op. cit., p. 451.

2. International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace

3. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide

4. harbouring

5. در دومین دیدار وزیران خارجه کشورهای آمریکایی در هاوانا در سال ۱۹۴۰ نیز قطعنامه ای تصویب شد تحت عنوان «فعالیت هایی که مباشرتاً و معاونتاً از سوی دول خارجی یا گروه های خارجی یا افراد با هدف سرنگونی نهادهای داخلی یا دامن زدن به ناآرامی داخلی در حیات سیاسی داخلی یا اصلاحات از طریق فشار، تبلیغات، تهدیدات و یا از هر طریق دیگر» را ممنوع کرده است. این قطعنامه هرچند می تواند مسئولیت بین المللی اشخاص خصوصی را نیز مطرح کند اما باید توجه داشت که قواعد سازمانی تنها برای کشورهای عضو لازم الاجراست.

C. G. Fenwick, op. cit., pp. 626-631.

6. در گزارش سال ۲۰۱۰ گزارشگر ویژه قربانیان حقوق بشر سازمان ملل متحد آمده است که برخی رسانه ها به نقض حقوق بشر خصوصاً حق بر حریم خصوصی اقدام می کنند که در این راستا لازم است که رسانه ها به تمام تعهدات حقوق بشری پایبند شوند. علاوه بر اساننامه دیوان بین المللی کیفری که مسئولیت کیفری بین المللی افراد مطرح کرده است قطعنامه های زیر در طرح مسئولیت علیه بازیگران غیردولتی قابل ذکر است:

نباید از نظر دور داشت شبکه های ماهواره ای به دلیل ماهیت ویژه شان به عضویت یک سازمان بین المللی یعنی اتحادیه بین المللی مخابرات درآمده اند. این عضویت می تواند حداقل مسئولیت بین المللی این شبکه ها را در قبال این سازمان بین المللی داشته باشد.

علاوه بر این موضوع از دو جهت دیگر طرح مسئولیت بین المللی شبکه های ماهواره ای مستقل امکانپذیر است: اول اینکه برخی از تعهدات موجود در حقوق بین الملل جزء تعهدات عام الشمول^۱ است که معنای آن شمول این تعهدات بر تمام بازیگران دولتی و غیردولتی است؛ مانند تحریک به نسل کشی و جرم تجاوز که قبلاً ذکر شد. دوم اینکه برخی دولتها به طور یکجانبه به جرم انگاری تخلفاتی از اشخاص خصوصی اقدام کرده اند که می تواند در سطح بین المللی ارتکاب یابد. به طور مثال بسیاری از کشورها تهمت به کشورهای خارجی و سران کشورهای خارجی را جرم انگاری کرده اند. از این میان برخی کشورها از دیپلمات های خارجی مقیم در کشور حمایت خاص کرده اند که اکثر قریب به اتفاق این کشورها از این اشخاص حمایتی همانند حمایت از اتباع خود در قبال اتهام در نظر گرفته اند.^۲ گفته شده است که طبق یک قاعده عرفی بین المللی، کشورها مسئول توهین افراد تحت صلاحیت خود به اشخاص دیپلمات خارجی هستند.^۳ مانند ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی ایران که این اقدام را جرم انگاری کرده است^۴ و لذا چنانچه رسانه ای مستقل از داخل خاک جمهوری اسلامی ایران دست به چنین اقدامی بزند با مجازات مقرر مواجه خواهد شد. پیش بینی این جرائم در قوانین کیفری داخلی و تعقیب اشخاص خصوصی متخلف از سوی دولت مرکزی، می تواند به تلاش معقول^۵ آن دولت برای جلوگیری از جرم مربوطه تعبیر

General Assembly Resolution 2194 (XXXVI-O/06), Adopted by General Assembly Resolution 2200 A (XXI) (1966), Human Rights Council A/HRC/4/35 (2007),

1. Erga Omnes

2. Vernon Van Dyke, op. cit., p. 67.

3. Arthur Larson, op. cit., p. 450.

۴. ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می شود مشروط به این که در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.

تبصره: اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

5. Due diligence

شود و رافع مسئولیت بین المللی آن دولت به واسطه اقدام شخص خصوصی از جمله یک رسا؛ فراملی باشد.

رویه دولتها در قبال این واقعیت در طول تاریخ روابط رسانه ای متفاوت بوده است. از جما مواردی که در مقابل پخش برنامه های فرامری از رسانه های مستقل مستقر در سایر کشوره موضع گیری شده است، می توان به اعتراض دولت آلمان به سرزمین خودمختار سار^۱ در ساا ۱۹۳۴ اشاره داشت که آلمان بیان داشت سرزمین سار از این منطقه برای اقدامات سیاسی علیه آلمان استفاده می کند و «این وضعیت مغایر با اصول کلی شناخته شده در حقوق بین الملل است» در مقابل می توان رویه های مخالف را نیز ذکر نمود مانند اجازه دادن آلمان نازی به رسانه ها؛ خصوصی برای مداخله رسانه ای و در مقابل مدارای کشورهای چکسلواکی، بریتانیای کبیر امریکا در قبال پخش برنامه از رسانه های خصوصی علیه آلمان نازی.^۲ عملکرد کشورهای اروپایی در نیمه اول قرن بیستم حاکی از آن است که این کشورها تبلیغات مخرب علیه یک کشور خارج را نمی پذیرند و در جایی که خلاف آن دیده شده است رویه ها آنقدر غیرهمانگ است^۳ نمی تواند موجد یک قاعده حقوقی موضوعه شود.^۴

نتیجه آنکه مداخله رسانه ای به هر نحو از انحاء ذکر شده، موجب طرح مسئولیت بین المللی دولت حامی رسانه خواهد شد و چنانچه رسانه متخلف رسانه ای مستقل باشد، در صورت مسئولیت دولت مربوطه در سطح بین المللی قابل طرح خواهد بود که یا اقدام مربوطه جنایه بین المللی باشد و یا از سوی اسناد بین المللی مانند معاهدات و قطعنامه های لازم الاجرا و یا عرف بین المللی (مانند عدم اهانت به دیپلمات های خارجی)، چنین مسئولیتی به رسمیت شناخته شد باشد.

Saar

Vernon Van Dyke, op. cit., p. 67.

Ibid

همانطور که قبلاً گفته شد، اقدام اخیر در چارچوب اقدام متقابل قابل توجیه خواهد بود و موجد مسئولیت بین المللا

نیز نخواهد شد.

Ibid

نتیجه‌گیری

افزایش مداخله رسانه‌ای پس از جنگ جهانی دوم، نه به دلیل افزایش کانال‌های ماهواره‌ای بلکه بیشتر به دلیل شناسایی این روش به عنوان یک اقدام معمول و دائم دولت‌ها چه در جنگ و چه در صلح است.^۱ برخی از جلوه‌های مداخله رسانه‌ای ناقص قواعدی از حقوق بین‌الملل عمومی هستند که یا به صورت سازمان یافته و هدفمند در قالب سیاست‌های کلی یک رسانه پیگیری می‌شود و یا به صورت موردی و در برخی برهه‌های تاریخی از سوی یک رسانه فراملی مشاهده می‌شود.

هرچند ارتکاب این تخلفات مسئولیت بین‌المللی دولت و رسانه متخلف را به همراه خواهد داشت اما در عمل مشاهده شده که دولتها ترجیح می‌دهند به جای پیگیری حقوقی این تخلفات، دست به اقدام متقابل بزنند مانند معامله به مثل (مداخله در برابر مداخله)، ارسال پارازیت و در صورت امکان قطع فرکانس شبکه متخلف. بسیاری از کشورها بدون احراز تخلف از سوی یک شبکه دست به چنین اقداماتی می‌زنند که خود می‌تواند ناقص اصل آزادی اطلاعات و ارتباطات باشد که در اسناد بین‌المللی ذکر شده‌اند.

روشهای مقابله با تبلیغات افترآمیز و یا اخبار نادرست در کشورهای مختلف متفاوت است و از زندانی کردن فعالان رسانه‌ای در روسیه تا سیاست مداخله متقابل در برابر هجمه‌های رسانه‌ای در انگلستان متفاوت است.^۲ اما سیاست مداخله متقابل در فعالیت‌های رسانه‌ای، هزینه‌ای مضاعف برای دولت به دنبال دارد و دولتها ترجیح می‌دهند با عدم پذیرش خبرنگاران برخی شبکه‌ها و عدم اجازه برای ایجاد استودیوی تولید و پخش خبر در کشور، قدرت آن شبکه را برای مداخله در کشور کاهش دهند.

هزینه‌های تبلیغاتی برای کشورها به طور روزافزون در حال افزایش هستند نه به این دلیل که کمیت آنها در حال ازدیاد است بلکه به این خاطر که تکنولوژی ارتباطات نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر و تخصصی شدن حیطه کاری کارمندان، نیاز به پرداخت‌های بیشتر دارد.^۳ بیشترین آسیب را از فعالیت‌های مخرب رسانه‌های فراملی، کشورهایی می‌بینند که نقش فعالی در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای ندارند. چرا که کشورهای صاحب فناوری به دلیل داشتن فناوری‌های

1. W. Phillips Davison, op. cit., p. 5.

2. John B. Whitton, op. cit., p. 20.

3. W. Phillips Davison, op. cit., p. 9.

ارتباطات می‌توانند به پخش برنامه‌های مطلوب خود اقدام نمایند و در عین حال از پخش برنامه‌ها که مغایر با منافع ملی و امنیتی آنهاست به طور سخت افزاری جلوگیری نمایند.

در دست داشتن فناوری ارتباطات علاوه بر مؤثر بودن در جریان سازی عملی، نقش دیگری عرصه حقوقی و نظری دارند. می‌توان گفت کشورهای صنعتی چون اکثر رسانه‌ها را در دست دارند در تشکیل و تغییر عرف بین‌المللی تأثیر خواهند داشت. به عبارت دیگر همین رسانه‌ها کشورهای متبوع آن‌ها هستند که می‌توانند با موضع‌گیری متفاوت در برابر مداخلات رسانه‌ای تغییر و تحریف عرف بین‌المللی موجود در رابطه با مداخله رسانه‌ای اقدام نمایند. تا پیش از زمان، شایسته است که مسئولیت بین‌المللی این کشورها و رسانه‌های وابسته، من باب مداخله رسانه‌ای در کشورهای در حال توسعه، شرقی و اسلامی چه در عرصه نظر و چه در عرصه پیگیری شود.

جدول نام نظام‌های ماهواره‌ای ثبت شده در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به همراه نام شرکت مجری آن و کشور محل ثبت شرکت

Table 1 – The 36 fixed-satellite service (FSS) operators

Operator	Satellite system	Service coverage		Country
		Trans-oceanic	Continental	
T Satellite	Apstar		✓	Hong Kong
CO	Arabsat		✓	Saudi Arabia
a Satellite	Asiasat		✓	Hong Kong
ariang	Measat		✓	Malaysia
ina Satcom	Chinastar, Chinasat		✓	China
gyptian Satellite	Nilesat		✓	Egypt
asiasat	Euriasat		✓	Turkey
ropeStar	EuropeStar		✓	England
telsat	Eutelsat 2, Hot Bird, W, Seasat	✓	✓	France
nce Telecom	Telecom 2		✓	France

Gascom	Yamal		✓	Russia
Hispasat	Hispasat		✓	Spain
Insat	Insat		✓	Germany
Intelsat	Intelsat	✓	✓	Bermuda (UK)
JSAT	JCSat, Nstar		✓	Thailand
Korea Telecom	Koreasat		✓	Korea
Loral Skynet	Telstar	✓	✓	USA
Mabuhay	Agila		✓	Philippines
Nahuelsat	Nahuel		✓	Argentina
New Skies Satellites	NSS	✓	✓	Netherlands
NSAB (SES Sirius)	Sirius		✓	Sweden
RSCC	Gorizont, Express		✓	Russia
Satelindo	Palapa		✓	Indonesia
Satelites Mexicanos	Satmex, Solidaridad		✓	Mexico
SES Global	Astra, AMC	✓	✓	Luxembourg
Shin Satellite	Thaicom		✓	Thailand
SingTel Optus	ST, Optus		✓	Australia
Sino Satellite	Sinosat		✓	China
SCC	Superbird		✓	UK
Spacecom	Amos		✓	Israel
Star One	Brazilsat		✓	Brazil
Telkom Indonesia	Telkom		✓	Indonesia
PanAmSat	Galaxy, PAS	✓	✓	United States
Telenor	Thor		✓	Norway
Telesat Canada	Anik, Nimiq		✓	Canada
Turk Telekom	Turksat		✓	Turkey

– فارسی

- ابراهیم بیگ زاده، (۱۳۷۷). بررسی جنایت نسل کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیو کیفری بین المللی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۲.
- امیر حسین جلالی فراهانی، (۱۳۸۶). مزیت ها و محدودیت های فضای سایبر در حوزه های آزاد بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی، *مجله حقوقی و قضائی دادگستری*، شماره ۵۹.
- برای مشاهده مصادیق تعارض آزادی رسانه ها با امنیت و نظم عمومی جمهوری اسلامی ایران ن. ک حسن ره پیک، (۱۳۷۹). حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه ها، *مجله مطالعات راهبردی* شماره ۹.
- سید ابراهیم حسینی، (۱۳۷۹). برنامہ های ماهواره ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت ها و اصل آزاد اطلاعات، *مجله معرفت*، شماره ۳۶.
- فاطمه پیروز، (۱۳۸۶). مداخله بشر دوستانه: نقض قاعده یا استثناء، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۱.
- گزارش گروه مطالعات حقوقی شورای راهبردی شبکه خبر، (۱۳۸۹). *پخش برنامه های فرامرزی و نقض حقوق بین الملل با تأکید بر مداخله BBC فارسی در امور داخلی ایران پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری*.
- لوری فیسلر دامروش، (۱۳۷۰). ترجمه علیرضا طیب، سیاست بر فراز مرزها: اصل عدم مداخله و نفوذ غیر قهری بر مسائل داخلی، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۵۳.
- محمد حسن بردبار، (۱۳۸۱). اصول حقوقی حاکم بر ماهواره ها، *مجله کانون وکلا*، شماره ۱۷۶.
- محمدرضا ضیایی بیگدلی، (۱۳۸۰). *حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی*، انتشارات دانش علامه طباطبائی، چاپ دوم.

– لاتین

- Arthur Larson, (1966). *The Present Status of Propaganda in International Law, Law and Contemporary Problems*, Vol. 31, No. 3.
- C.G. Fenwick, (1941). *Intervention by Way of Propaganda, The American Journal of International Law*, Vol. 35.
- *Convention on the International Right of Correction*

- Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property
- Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide
- David Goldberg,(2006). International And Comparative Perspectives On Defamation, Free Speech, And Privacy, **New York Law School Law Review**, No. 50.
- David Hemmings Pritchard,(2000).**Holding the media accountable: citizens, ethics & the law**, Indian University Press.
- Draft Convention on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001
- G.A Resolution 2526 (1970), General Assembly Res. 1514 (1960), General Assembly Res. 1541 (1960).
- General Assembly Resolution ۸۴۱ (IX) ۱۷, December 1954.
- <http://www.csulb.edu/~jvancamp/freedom\ .html>
- http://www.itu.int/dms_pub/itu-s/md/03/wsispcip/td/030721/S03-WSISPCIP-030721-TD-GEN-0003!P1!PDF-E.pdf
- ICJ Rep.(1984).Concerning Military and Paramilitary Activities In and Against Nicaragua.
- International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace
- International Convention concerning the Use of Broadcasting in the Cause of Peace
- Jan Hendrik Willem Verzijl and others,(1998).**International law in historical perspective**, Martinus Nijhoff Publishers.
- John B.Whitton,(1971).Hostile International Propaganda & International Law, **Propaganda in International Affairs**, Vol. 398.

Trial Of The Major War Criminals Before The International Military Tribunal

UN Commission Human Rights Reports,(1988).Right to Freedom of Opinion and Expression Commission on Human Rights.

United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN) Reports.

Vernon Van Dyke,(Jan.,1940).The Responsibility of States for International Propaganda, **The American Journal of International Law**, Vol. 34, No. 1.

W. Phillips Davison,(1971). Some Trends in International Propaganda, **Propaganda in International Affairs**, Vol.398.